

کتاب مقدس برای کودکان
تقدیم می کند



روت:
داستان عشق



نویسنده: Edward Hughes

طراحی تصاویر: Janie Forest

بازگویی از: Lyn Doerksen

Alastair P.

مترجم: Shahrzad

ناشر: Bible for Children

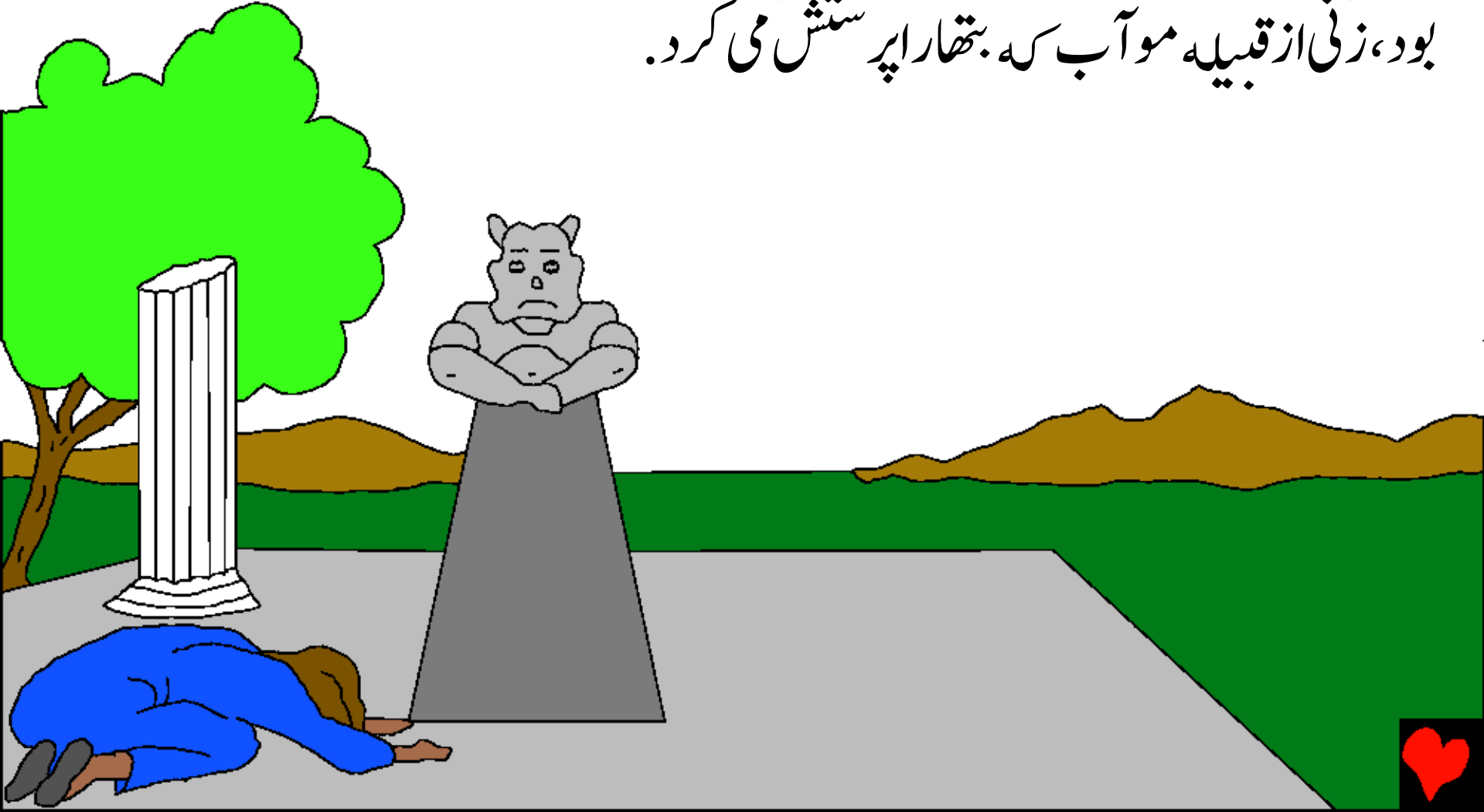
www.M1914.org

©2020 Bible for Children, Inc.

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان ها را کپی و یا چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.



اگر شما می‌توانستید والدین مادر و پدر بزرگتان و یانیاکان خود در ملاقات کنید، شاید از شخصیت آنها متعجب می‌شدید و اینکه بدانید آنها چه کسانی بودند. در کتاب مقدس می‌بینیم که یکی از یانیاکان عیسی مسیح شخصی بنام "روت" بود، زنی از قبیله موآب که بتهارا پرستش می‌کرد.



داستان "روت" در اسرائیل بعد از زمان سامیون آغاز میشود، وقتی که قوم
خداوند از اطاعت و اعتماد به او دست می کشند. قحطی سرزمین را فرا می گیرد. می دانید
قحطی چیست؟ درسته! قحطی و خشکسالی زمانی است که هیچ
محصولی یا میوه ای عمل نیاید و حیوانات و حتی
انسانها از گرسنگی می میرند.



مردی بنام "الیملک" در آن زمان بیت‌الحم را با همسرش و دو پسرش ترک کرد تا به جایی برود که غذا باشد. آنجا به موآب رفتند، جایی که بت‌ها را می‌پرستیدند.



ایام زندگی با ابیملک
و خانواده اش خوب
پیش نمی رفت.



ابیملک همراه باد و پسرش از دنیا رفتند. همسرش، نعومی، باد و عروش،
روت و عرفه، تنها ماندند. روت و عرفه، هر دو از شهر موآب بودند.



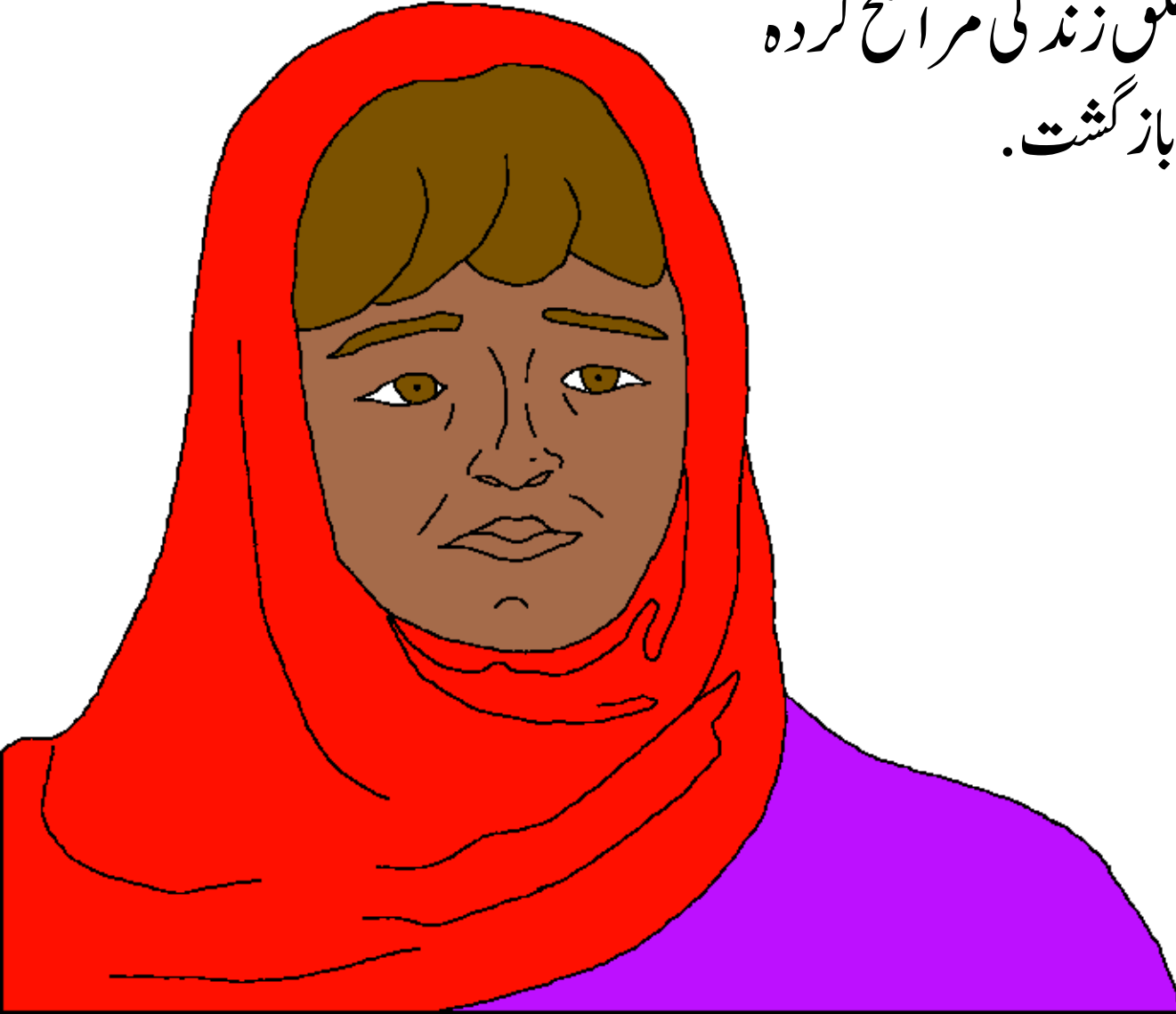
نعومی، که یک زن بیوه بود، شنید که خداوند قومش را ملاقات کرده و برای آنها غذا فراهم کرده است. پس تصمیم گرفت که به شهرش و زادگاهش باز گردد.
اما دو عروسش چه خواهند کرد؟ نعومی به آنها گفت که آنها در موآب بمانند و دوباره ازدواج کنند.



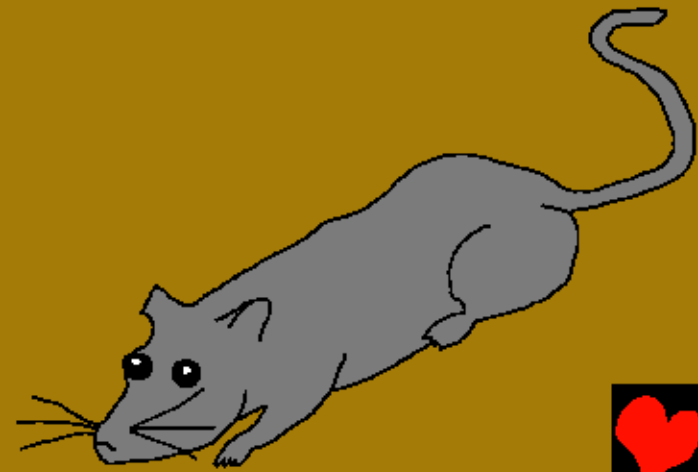
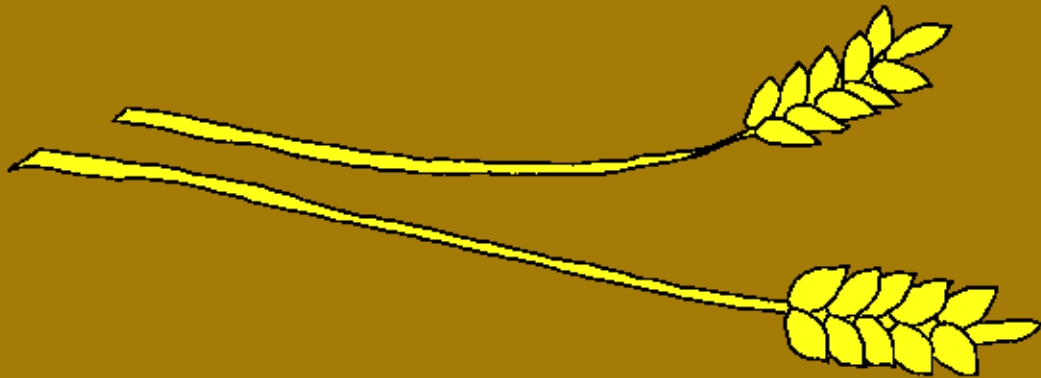
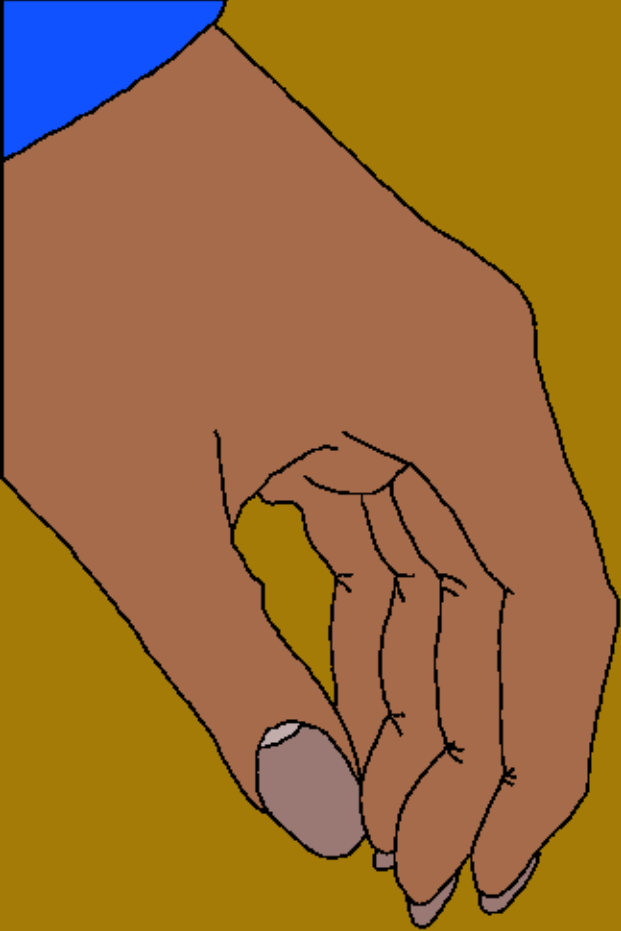
عرفه به نزدفا میلش بازگشت. اماروت از بازگشتن به نزدفا میلش امتناع کرد. در عوض، یک شعر زیبایی برای مادر شوهرش گفت که نشان می داد او هرگز نعو می راترک نخواهد کرد.



دوستان قدیمی نعومی از اینکه او به زادگاهش بیت لحم بازگشته خوشحال شدند. اما نعومی از آنها خواست که او را "میره" (یعنی تلخ) بجای نعومی (یعنی خوشحال) صدا کنند.
برای اینکه خداوند قادر مطلق زندگی مرا تلخ کرده
است. نعومی دست خالی بازگشت.



اگرچه که روت مانند مردم دیگر در شهر
موآب بتهارا پرستش می کرد، اما او تصمیم
گرفت که مانند مردم اسرائیل خداوند
زنده را پرستش کند. او سخت کار میکرد تا
برای نعومی غذای کافی فراهم کند. هر
روز در مزرعه کار میکرد تا بتواند از پس مانده
های گندم برای نعومی ببرد.





بو عز، صاحب مزرعه، شنید کہ روت
چقدر نسبت بہ مادر شوہر ش مہربان و
خوب بودہ است. وقتی بو عز روت را
ملاقات کرد، اورا با مقدار زیادہ
محصول گندم بہ خانہ بازی گرداند و
بہ او کمک می کرد. و کم کم بو عز از
روت خوشش آمد.



وقتی روت به نعومی در مورد بو عز
و مهربانی او گفت، نعومی خداوند را
ستایش کرد و گفت: این مرد از
فامیل ماست، او یکی از
خویشاوندان نزدیک ماست.





هما نطور که زمان می گذشت، بو عزمی خواست باروت
از دواج کند، و از نعومی و زمین خانوادگی او مراقبت کند. ولی یکی
دیگر از خویشاوندان نعومی که به آنها نزدیکتر بود در اولویت
بود. این مرد، زمینی که متعلق به نعومی بود می خواست ولی نمی
خواست که باروت از دواج کند. قانون بر این بنا بود که او
نمی توانست زمین را قبول کند اگر باروت از دواج نکند.



در آن زمانها، برای قبول یک معامله باید دیگر دست نمی دادند. بوعزدمپایی اش را در آورده و در مقابل مردم آنرا به مرد دیگر که از خویشاوندان نعومی بود داد. و معامله انجام شد. روت به همسری بوعزدر آمد. اکنون روت و نعومی به فامیلی بوعزدر آمدند.



روت و بو عز صاحب پسر می شدند و
نام او را عبود گذاشتند. او پدر بزرگ
داود بود، پادشاه کبیر اسرائیل.



ولی عجیب تر از همه، عو بد کوچک از نیاکان عیسی مسیح پادشاه بود.



روت: داستان عشق

داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

روت

"کشف کلام تو نور می بخشد."

مزمور ۱۱۹: ۱۳۰



پاپان



داستانهای کتاب مقدس با مادر باره‌خدايي صحبت مي‌کنند که ما را
آفرید و اراده‌ او اين است که شما نیز او را بشناسيد.

خدای داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند. م
جازات گناه مرگ است، اما خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسریگانۀ خود را فرستاد تا بر
روی صلیب به خاطر بخشش گناهان ما بمیرد. عیسی مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد و به
آسمان بالا رفت. اگر توبه عیسی ایمان بیاوری و از او بخواهی که گناهان تو را بپا مرزد،
او تو را خواهد بخشید و وارد قلب تو خواهد شد و تو برای همیشه با او زندگی خواهی کرد.

اگر به این حقیقت ایمان داری، از صمیم قلب این دعا را بکن: عیسای عزیز من ایمان دارم
که تو خدا هستی، و به صورت انسان به زمین آمدی تا برای گناهان من بمیری، و اکنون زنده هستی.
خواهش می‌کنم که وارد زندگی من بشوی و گناهان مرا ببخشی تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای
همیشه با تو زندگی کنم. کمکم کن تا به عنوان فرزند تو بتوانم تو را اطاعت کنم و برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس راه‌رو زبخوان و همیشه دعا کن! انجیل یوحنا ۳: ۱۶

